



### تیترها

جهان در آستانه گسترش جرم و جنایت ناشی از کم آبی قرار دارد

### زنگ خطر گسترش جرایم در بحران های آبی

جنگ آب شوخی نیست و مختص یک کشور یا یک قاره هم نیست! خشکسالی و ورشکستگی آبی شاید در کشورهای زیادی رخ داده است و همین داشته‌ها نشان می‌دهد بی‌آبی باعث افزایش جرم و جنایت می‌شود و جهان به سویی پیش می‌رود که به خاطر کم‌آبی با افزایش جرم و جنایت مواجه شود.

۱۶

زن هفت تیرکش در آخرین جلسه دادگاه ادعای بی‌گناهی کرد

### شلیک‌های مرگبار یک زن به شوهرش

زن جوان که متهم است با شلیک دو گلوله، شوهرش را به کام مرگ کشانده در دادگاه مدعی شد بی‌گناه است. این زن که رضایت دودخترش را جلب کرده است قبلاً به صراحت به قتل شوهرش به خاطر اختلافات خانوادگی اعتراف کرده بود.



۱۸

انگشت پسر جوان هم قطع شد

### قتل خونین دختر ۱۸ ساله در قرار عاشقانه

دو موتورسوار ناشناس به دختر جوان و پسر مورد علاقه‌اش حمله کردند و دختر را با چاقو به قتل رساندند. به گزارش «ایران»، غروب روز دوشنبه ۱۹ تیرماه امسال صدای ضربه‌های پی‌درپی در خیابان فدائیان اسلام پیچید.

۱۸

۱۰ مرد خشمگین به جان هم افتاده بودند

### قتل پسر ۱۹ ساله با تبر و گلوله

۳ شرور در نزاع خیابانی پسر ۱۹ ساله‌ای را با شلیک تفنگ شکاری و ضربه تبر به قتل رساندند.

۱۸



### فریاد سودابه

دو تاس از جیبم بیرون می‌آورد و روی صندلی سنگی پارک می‌نشینم. تاس‌ها را روی میز شطرنج می‌ریزم. دو و سه می‌آید. رو به عرفان می‌گویم: می‌بینی! شانس من در همین حد است! عرفان می‌گوید: با این شانس می‌خواهی بروی دزدی؟ سر کوچک نرسیده تو را می‌گیرند. لال شوی عرفان! مجبور بودی سق سیاه بزنی؟ خودم را به نشنیدن می‌زنم. برای یک بار هم که شده می‌خواهم به نشدن فکر نکنم!

### داستان

زن جوان فکرش را هم نمی‌کرد صحبت‌هایش با نگهبان پارک منجر به قتل خواهرش به دست پدرشان شود. متهم پرونده که از اتباع است دستگیر شده و به اتهام خود اعتراف کرده است. به گزارش «ایران»، خانه بوی مرگ و غم داشت. صدای شیون صادر و خواهران «حناز»، همه خانه را پر کرده بود. فریده خواهر بزرگ‌تر حناز انگار کوه زنج از دست دادن خواهرش را به دوش می‌کشد. باورش برای او و بقیه خواهران و برادران سخت است که ضربات مهلک پدر، باعث قتل حناز شده باشد. فریده ۲۵ ساله همه این حرف‌ها را با گریه به خبرنگار ما می‌گوید: «حالش بد بود. نفس نفس می‌زد. تا صبح دستش در دستم بود اما دم صبح که شد صدای خرخر کردن نفس‌های مرا از خواب بیدار کرد. خیلی ترسیده بودم. سریع با اورژانس تماس گرفتم. حناز با دست به من اشاره کرد که برایش آب بیاورم. کمی آب به او دادم. بعد سرش را روی پاهایم گذاشت. چند دقیقه بعد مأموران اورژانس از راه رسیدند و گفتند خواهرم فوت کرده است. کتک‌هایی که شب قبل خورده بود باعث شد دوام نیاورد. من هم فوراً موضوع را به پلیس اطلاع دادم.» با اعلام موضوع از سوی خواهر بزرگ‌تر، رسیدگی به این پرونده با مخابره از سوی مأموران کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر در دستور کار محمد جواد ششیمی بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت و تحقیقات تیم جنایی برای رازگشایی ماجرا آغاز شد. بررسی‌های ابتدایی نشان می‌داد فاش شدن ارتباط دختر جوان و خواهرش با نگهبان یک پارک سبب درگیری پدرشان با آنها شده بود. در جریان درگیری ۲ دختر ۱۹ و ۲۳ ساله بسدت از پدرشان کتک خوردند و صبح روز بعد در دختر ۱۹ ساله به نام حناز به دلیل شدت صدمات وارد شده و خونریزی شدید داخلی به کام مرگ فرو رفت. پدر مقتول با حضور بموقع مأموران انتظامی و قضایی دستگیر شد و به اتهام خود اعتراف کرد. در ادامه گزارش، گفت‌وگوی خبرنگار ما با متهم پرونده و خانواده مقتول را بخوانید:

### پرونده

# قتل ناموسی در جنوب پایتخت

## گفت‌وگوهای «ایران» را با مرد فرزندکش و خانواده‌اش بخوانید



حناز ۱۹ ساله بی‌گناه به جای خواهرش به قتل رسید

### پدرم جانی نیست

فریده مثل ابر بهار اشک می‌ریزد. دستش را مشت کرده تا گرمای دست خواهرش که تا همین دیروز در کنار هم بودند از دستانش بیرون نرود. به پشتی صندلی تکیه داده و به صفحه‌های مادرش نگاه می‌کند و آرام اشک می‌ریزد. او در مورد روز حادثه می‌گوید: «صبح روز قبل از مرگ خواهرم بود و من و مادرم در یک تولیدی مشغول کار بودیم. پدرم با من تماس گرفت و گفت که حالش خوب نیست. من هم مرخصی ساعتی گرفتم تا پدرم را به بیمارستان ببرم. نزدیک ظهر به محل کارم رسیدیم و آن روز باید یک ساعت بیشتر در محل کار می‌ماندم. مادرم زودتر از من به خانه رفت و در پایان ساعت کاری ام تماس گرفت و گفت زود خودت را به خانه برسان چون حال خواهرت هم بد است. وقتی به خانه رسیدم دیدم هر دو خواهرم از پدرم کتک خورده‌اند و حالشان خیلی بد بود. با شوهر خواهر بزرگ‌ترم تماس گرفتم و گفتم او را به خانه‌شان ببرد، اما حال حناز بد بود و صبح روز بعد به کام مرگ فرو رفت.» فریده در مورد علت این درگیری می‌گوید: «مشکل ما از زمانی شروع شد که سرو کله حمید در زندگی ما پیدا شد. او ابتدا به عنوان خواستگار حناز به خانه ما آمد اما بعد گفت که می‌خواهد از شازبه خواستگاری کند، با اینکه او شوهر داشت تا اینکه یک روز موقع برگشت از سر کار دیدم حمید، دو خواهرم را با موتور فراری داد. روز حادثه او دوباره مقابل خانه‌مان آمد و باعث شد پدرم عصبانی شود.» برادر مقتول نیز می‌گوید: «پدرم جانی نیست. ما حدود ۷ ماه است به ایران آمده‌ایم و یکی از دلایل برگشت ما به ایران همین خواهرم بود که مرحوم شد. او کمی مشکل اعصاب داشت و پدرم می‌خواست او را در ایران درمان کند. پدرم بچه‌هایش را دوست دارد و از روی عصبانیت آنها را کتک زده است که منجر به این اتفاق شد.» بنا بر این گزارش، متهم پرونده با دستور بازپرس جنایی صبح دیروز برای انجام معاینات سلامت روان در پزشکی قانونی حاضر شد. روند رسیدگی قضایی به پرونده ادامه خواهد داشت.

### به پدرم گفتم طلاق می‌خواهم



حمید خواستگار او است. شوهرم پلیس را خبر کرد و خواهرم به پلیس هم همین حرف را زد. بعد هم حمید به خواستگاری حناز رفت اما آن خواستگاری صوری بود و فقط برای این بود که آب‌ها از آسیاب بیفتد. بعد چه شد؟ چند شب قبل از حادثه حمید دنبال من و خواهرم آمد و ما را به اتاقک نگهبانی‌اش برد، چون می‌ترسیدیم شوهرم بلاپی بسرمایمان بیورد، ۳ روز در اتاقک بودیم و بعد به خانه پدری‌مان آمدیم. همان روز بود که این حادثه رخ داد؟

خواهر مقتول به نام شازبه ۲۳ ساله، همراه او مورد ضرب و جرح پدرشان قرار گرفت.

او اولین کسی است که در گفت‌وگو با خبرنگار ما، ماجرای این درگیری مرگبار را شرح می‌دهد.

از روز حادثه بگو، چرا پدرت از شما و خواهرت عصبانی شده بود؟ مدتی قبل در پارک نزدیک خانه‌مان با نگهبان پارک به نام حمید آشنا شدم. حمید می‌دانست من شوهر دارم و به او گفته بودم که می‌خواهم طلاق بگیرم و با او مشورت کردم. پدرت چطور متوجه موضوع شد؟ خودم به او گفتم! گفتم با این مرد مشورت کرده‌ام. پدرم هم می‌دانست که از زندگی با شوهرم راضی نیستم و قصد طلاق دارم. شوهرم دست بزن داشت و به من خرجی نمی‌داد. خودم در یک تولیدی کار می‌کردم و برای همین در فکر جدایی بودم. حمید هم از همسرش جدا شده بود و با پسر خردسالش زندگی می‌کرد. حناز چطور وارد این ارتباط شد؟

مدتی قبل بود که شوهرم پی به ارتباط من با حمید برد. متوجه شد که من چند بار با مرد غریبه‌ای حرف زده و مشورت کرده‌ام. چاقو کشید و می‌خواست من را بزند. آن روز خواهرم هم در خانه بود. برای اینکه شوهرم آرام شود به او گفت

### گفت‌وگو با پدر فرزندکش

چه مدت است که به ارتباط شازبه و حمید پی برده بودی؟ حدود یک ماه قبل بود که دخترم به من گفت می‌خواهد طلاق بگیرد و با نگهبان پارک ازدواج کند. هر قدر با او حرف می‌زدم فایده نداشت و گوشش بدهکار حرف‌های من نبود.

در این میان دختر کوچک شما چه تصمیمی داشت؟ او هم مقصر بود چون همراه خواهرش ترک موتور حمید نشسته بود.

چرا دختر کوچک‌تر شما با حمید ارتباط گرفته بود؟ حمید به خواستگاری آمده بود و من ابتدا گمان می‌کردم قصد ازدواج با حناز را دارد، اما بعداً به من گفت که دختر بزرگ‌تر من را می‌خواهد. به او گفتم این دختر شوهر دارد و تو نباید این حرف‌ها را بزنی، اما او و دخترم به حرف من گوش نمی‌کردند. از روز حادثه بگو. می‌خواستی شازبه را هم مثل حناز به قتل برسانی؟

آن روز وقتی دیدم حمید مقابل خانه‌مان آمده است خونم به جوش آمد. شازبه و حناز می‌خواستند بازم با هم‌بگیر بیرون بروند و من می‌دانستم که قرار است با حمید بیرون بروند. به آنها گفتم حق ندارید بروید و به حدی عصبانی بودم که با مشت و لگد به جانشان افتادم و گفتم قلم پایتان را خرد می‌شکنم که دیگر نتوانید از این خانه بیرون بروید. می‌خواستم این قدر آنها را کتک بزنم که نتوانند بیرون از خانه بروند، اما نمی‌خواستم آنها را بکشم. وقتی متوجه شدی حال دخترت وخیم است چرا او را به دکتر نبردی؟ عقلم به این کار نرسید!

از اینکه او را به قتل رساندی پشیمانی؟ بابت اینکه جانش را از دست داده خیلی ناراحتم اما در مورد اینکه او و خواهرش را کتک زدم باید بگویم که راهی جز تنبیه دخترانم نداشتم، چون آنها با مرد غریبه ارتباط داشتند و هر پدری جای من بود خیلی ناراحت می‌شد.